

معرفی و سبک منظومه هزارویک شب دهقان سامانی

خیرالنساء محمدپور*، فرشته محبوب

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۲۸۹-۳۱۳

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۵۸

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

هدف و زمینه: ابوالفتح‌خان دهقان سامانی از شاعران برجسته سبک بازگشت ادبی دوره قاجار است که آثار متعددی به نظم دارد. شاهکار وی منظومه هزارویک شب است که شاعر در آن ترجمه داستان هزارویک شب عبداللطیف طسوجی را به نظم درآورده است. در این پژوهش با هدف پی بردن به میزان توانایی و هنر شاعری دهقان سامانی، سبک منظومه هزارویک شب وی معرفی و از جنبه‌های زبانی، ادبی و فکری بررسی می‌شود.

روش مطالعه: روش تحقیق توصیفی و تحلیلی، شیوه‌ای است که نگارندگان در این پژوهش درپیش گرفته‌اند. همچنین ۴۰۰ بیت از این منظومه برای آمارگیری و ترسیم جدول بسامدی انتخاب شده است.

یافته‌ها: نتایج حاکی از این است که در منظومه هزارویک شب دهقان سامانی فراوانی آرایه تکرار و جناس سبب بدیع شدن قافیه‌ها شده است. تنوع هجاهای قافیه و وجود انواع مختصات آوایی، جناسها و تکرارهای فراوان و دیگر آرایه‌های لفظی، سطح برجسته زبانی شاعر را نشان می‌دهد. شاعر در بکار بردن انواع آرایه‌های بیانی که مهمترین آنها تناسب، تضاد و تلمیح است و نیز استفاده هنری از صور خیال (استعاره، تشبیه، کنایه و اغراق) بطور گسترده بر غنای ادبی منظومه افزوده است.

نتیجه‌گیری: شاعر در استفاده از صور خیال بیشتر مقلد بوده و در مواردی نادر، ابداعات و ابتکاراتی داشته است. در سطح فکری نیز ضمن اینکه اندیشه‌های مذهبی و اعتقادات شیعی شاعر دیده شده است، تمایل وی به عرفان نیز آشکار می‌شود. استفاده فراوان از اصطلاحات علوم مختلف بیانگر آگاهی و اطلاعات فراوان وی، و فراوانی آداب و رسوم و باورهای عامیانه نشان‌دهنده مردمی بودن شاعر است.

تاریخ دریافت: ۰۴ تیر ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۰۵ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۰۱۷ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۶ مهر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، منظومه هزارویک شب، دهقان سامانی، بازگشت ادبی.

* نویسنده مسئول:

✉ mohammadpoor.ut.ac@mail.ir

☎ (۰۲۱ ۹۸۸۰۰۰۰)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction and style of the poem One Thousand and One Nights by Dehghan Samani

Kh. Mohammadpour, F. Mahjoub

Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۵ June ۲۰۲۱

Reviewed: ۲۷ July ۲۰۲۱

Revised: ۰۸ August ۲۰۲۱

Accepted: ۲۸ September ۲۰۲۱

KEYWORDS

Stylistics, The Thousand and One Nights, Dehghan Samani, Literary return style.

*Corresponding Author

[✉ mohammadpour.ut.ac@mail.ir](mailto:mohammadpour.ut.ac@mail.ir)

☎ (+۹۸)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Abolfath Khan Dehghan Samani is one of the prominent poets of the literary return style of the Qajar period who has several works in order. His masterpiece is the poem Hazaravik Shab, in which the poet has arranged the translation of the story Hazaravik Shab by Abdul Latif Tassoji. In this research, with the aim of understanding the ability and art of the Samani peasant's poetry, the style of his poem Hazaravik Shab is introduced and examined from the linguistic, literary and intellectual aspects.

METHODOLOGY: Descriptive and analytical research method is the method used by the authors in this research. Also, ۴۰۰ bits of this system have been selected for counting and plotting the frequency table.

FINDINGS: The results indicate that in the system of Hezarovik Shab Dehghan Samani, the abundance of repetition and punctuation has caused the rhymes to be original. The variety of rhyming syllables and the existence of various phonetic coordinates, many puns and repetitions and other verbal arrays show the prominent level of the poet's language. The poet has extensively added to the literary richness of the system in his use of various expressive arrays, the most important of which are proportionality, contradiction, and allusion, as well as his artistic use of imaginary forms (metaphor, simile, irony, and exaggeration).

CONCLUSION: The poet has been more imitative in using imaginary forms and in rare cases, he has had innovations and initiatives. At the intellectual level, while the poet's religious ideas and Shiite beliefs have been seen, his inclination to mysticism is also evident. Extensive use of terms from various sciences indicates his abundant knowledge and information, and the abundance of customs and folk beliefs indicate that the poet is popular.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۰,۷۴۰۸](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.7408)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۲۸	 ۴	 ۰

مقدمه

سبک‌شناسی یکی از انواع علوم ادبی است که از طریق آن میتوان به ویژگیهای یک اثر ادبی پی برد و معیار هنری بودن اثر یک شاعر یا نویسنده را تشخیص داد. این دانش در شناخت سبک شاعران سه سطح زبانی، ادبی و فکری اشعار را مورد بررسی قرار میدهد. در مطالعه سبک یک اثر ادبی به جنبه‌های فردی آن اثر توجه میشود، حال این اثر حماسی باشد یا غنایی یا تعلیمی و منظومه‌های غنایی از انواع جذاب و پرمخاطب بشمار می‌آیند؛ بنابراین معرفی این منظومه‌ها و آگاهی از سبک و شیوه سرایندگان آنها، این آثار را از آفت کهنگی و فراموشی مصون میدارد. یکی از این منظومه‌های غنایی ناشناخته یا کم‌شناخته‌شده، منظومه هزارویک شب اثر ابوالفتح‌خان سامانی شاعر عصر قاجار است که هزارویک شب عبداللطیف طسوجی را به نظم درآورده است. پژوهش حاضر به معرفی این اثر و بررسی ویژگیهای سبکی آن در سه سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته است و با گزینش ۴۰۰ بیت و گرفتن آمار، جدول بسامدی را نیز ترسیم نموده است.

سابقه پژوهش

مقاله‌ای که پژوهشگران درباره ابوالفتح‌خان دهقان سامانی نوشته‌اند، بیشتر درباره زندگینامه و معرفی آثار و شخصیت وی است. بعنوان نمونه رحیم‌خانی سامانی (۱۳۸۷) در مقاله «شرح حال و آثار دهقان سامانی» و وحید دستگردی (۱۳۱۴) در «دهقان سامانی اصفهانی» و نیز کیانی فلاورجانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «میرزا ابوالفتح‌خان دهقان سامانی» به سال و محل تولد شاعر، خانواده وی، چگونگی رشد وی، تحصیلات و استادان وی، آثار بجای‌مانده از وی، و چگونگی مرگ این شاعر اشاره کرده‌اند. تنها مجرد قمشه‌ای در مقاله «دهقان سامانی و جذبه‌های عرفانی» به موضوع عرفان در اشعار دهقان سامانی و جذبه‌های عرفانی شاعر پرداخته است.

بحث و بررسی

شرح احوال و آثار ابوالفتح‌خان دهقان سامانی

میرزا ابوالفتح‌خان دهقان سامانی، ملقب به سیف‌الشعراء، از شاعران دوره قاجار است. در سال ۱۲۶۰-۱۲۶۵ قمری در سامان یکی از توابع چهارمحال و بختیاری متولد شد (مجموعه مقالات یادمان میرزا ابوالفتح‌خان دهقان سامانی، رحیم‌خانی سامانی: ص ۲۳۱). عده‌ای تاریخ تولد وی را در سالهای ۱۲۴۰-۱۲۴۹ قمری دانسته‌اند (تذکره مدینه الادب، مصاحبی، ج ۲: ص ۸۳۸). او پدرش باباخان را در سال ۱۲۶۱ قمری ازدست داد و مادرش از ترس طعنه مردم به همسری عمومی ابوالفتح‌خان درآمد. عمو از همان کودکی بدرفتاری را آغاز کرد و او در ۱۳ سالگی مجبور شد از سامان فرار کند و به کربلا برود (نیم‌نگاهی به زندگی و آثار دهقان سامانی، رحیم‌خانی: ص ۱۶-۱۷). پس از بازگشت از کربلا در خدمت میرزا آشفته اصفهانی به شاگردی می‌پردازد و همانجا صنایع بدیعی و قوانین عروضی را نزد استاد می‌آموزد. میرزا آشفته اصفهانی او را به انجمن ادبی «ابوالفقرا» میبرد (همان: ص ۱۸). رئیس انجمن، ملا محمدباقر گزی اصفهانی، ذوق و قریحه شعری او را کشف میکند و به تربیت او می‌پردازد و او را به حاکم اصفهان معرفی میکند. بدین ترتیب ابوالفتح‌خان نزد استادان برجسته‌ای مانند آخوند کاشی، شیخ حسن تیرانی شیرازی، میرزا احسین همدانی و شیخ محمدباقر مسجدشاهی جهانگیرخان قشقایی، میرزا احسن جلوه، میرزا محمدباقر، میرزا محمدهاشم موسوی چهارسویی به یادگیری علوم مختلف پرداخت (تذکره شعاعیه، شعاع شیرازی: ص ۱۹۰). او با افراد صاحب نفوذی همچون میرزا سلیمان‌خان رکن‌الملک (نایب‌الحکومه اصفهان) که از مشوقان وی در نظم

افسانه‌های هزارستان بود (مجموعه مقالات یادمان میرزا ابوالفتح‌خان دهقان سامانی، رحیم‌خانی: ص ۴۶) و میرزا محمدحسین عنقای اصفهانی (ملک‌الشعرا) رفت‌وآمد داشت و با وساطت عنقای اصفهانی، به لقب سیف‌الشعرا بی دست یافت (برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان، همایی: ص ۳۴). در اواخر عمر بخاطر ناتوانی جسمانی به زادگاه خود (سامان) بازگشت تا اینکه در ۱۳۲۶ قمری درگذشت و در ایوان‌کیف که مقبره‌الشعرا سامان بود و شاعر بیشتر شعرهایش را آنجا میسرود، بخاک سپرده شد (مجموعه مقالات یادمان میرزا ابوالفتح‌خان دهقان سامانی، رحیم‌خانی: ص ۲۶).

دهقان سامانی با پرتو اصفهانی و مسکین اصفهانی که از شاعران معاصر وی بودند و همچنین دوست همشهریش عمان سامانی در ارتباط بود (حدیقه الشعرا، دیوان بیگی، ج ۱: ص ۶۳۰). محمد نصیر اصفهانی دهقان سامانی را پس از عمان سامانی برترین شاعر دوره خود دانسته است (دیوان طرب، طرب اصفهانی: ص ۱۰۵). تمام آثار بجای‌مانده از دهقان به نظم است که به مهمترین آنها اشاره میشود:

۱) منظومه هزارویک شب (هزارستان)

۲) دیوان اشعار: که شاعر آن را شکرستان نامیده (دیوان اشعار، دهقان سامانی: ص ۹۵) مشتمل بر ۸۴۲۱ بیت در قالبهای گوناگون شعری غزل، مسمط، قصیده، چند قطعه و رباعی.

۳) داوودنامه: منظومه‌ای است بر وزن شاهنامه فردوسی و به پیروی از آن (دهقان سامانی، میکده: ص ۱۳۵) در قالب حماسه دینی که سه داستان نسبتاً جدا از هم را دربر میگیرد. الف) داوودنامه: داستان حضرت داوود (ع) در ۶۱۱ بیت؛ ب) سلیمان‌نامه: داستان حضرت سلیمان (ع) در ۲۹۶ بیت؛ ج) بلقیس‌نامه: داستان حضرت سلیمان (ع) و بلقیس ملکه سبا در ۴۰۱ بیت (دهقان سامانی، مهدوی و رحیم‌خانی سامانی: مدخل دهقان سامانی).

۴) نوحه‌ها و مرثی: از سروده‌های ابوالفتح‌خان دهقان میتوان به مرثیه‌ها و نوحه‌هایی اشاره کرد که مهمترین ویژگی آنها قالبهای ابداعی، ضرب‌آهنگهای تند، و التزام به آوردن تخلص شعری است. از معروفترین سوگ-سروده‌های وی میتوان به مرثیه‌هایی اشاره کرد که شاعر در آن همصدا با طبیعت (پرندگان و گلها و گیاهان)، سوز واقعه کربلا را تصویر نموده است (ن.ک: چند سوگ‌سرود، دهقان سامانی: ص ۱۸۱-۱۹۵).

آشنایی با منظومه هزارویک شب

این منظومه که شاعر آن را هزارستان نامیده، داستان هزارویک شب است که شاعر آن را از روی ترجمه عبداللطیف طسوجی سروده است (داستانهای عامیانه فارسی (۱)، محبوب: ص ۵۳). این منظومه به نام ناصرالدین شاه قاجار و به تشویق میرزا سلیمان‌خان رکن‌الملک شیرازی در میانه سالهای ۱۲۹۶-۱۳۱۳ قمری سروده شد (مختصری از احوال و آثار ناظم هزارستان، رحیم‌خانی سامانی: ص ۱۳) و با پشتیبانی همین رکن‌الملک بین سالهای ۱۳۱۷-۱۳۱۸ و با کتابت محمدباقر اروجی اصفهانی به چاپ سنگی رسید (عارف قزوینی شاعر ملی ایران، حائری: ص ۵۷) و تصویرگر آن جواد علی‌خان است.

آغاز: بسمله.

اول از کردکار جویم راز نامه بر نام او کنم آغاز

انجام:

شد چو بر عدل ختم فرجامش ختم کردم کتاب بر نامش

انجامه: کتبه الفقیر ابن المرحوم محمدحسن محمد باقر الازوجنی الاصفهانی فی منتصف شهر ذی القعدة. نسخه به زبان فارسی، دارای ۶۴۵ صفحه، مصور، با ابعاد ۳۴ × ۲۱ س م و در قطح رحلی است. خط آن نستعلیق، جلد مقوایی با روکش تیماج، اوراق مجدول، صفحه عنوان مجدول و دارای ترنج و سرترنج و گوشه با نقش گل و بوته. صفحه آغاز دارای سرلوح و ترنج و کتیبه با نقش گل و بوته؛ تصاویر مجالس؛ مهمور به مهر چهارگوش با نقش شیر و خورشید و نشان ملاحظه شد و مهر بیضی با سجع عن حسین ابن محمد و به دستیاری آقا محمداسماعیل و آقا محمدابراهیم و مساعدت شیخ محمدحسین تاجر خوانساری به طبع رسیده است.

نسخه دیگری از این اثر را حسین کی استوان به کتابخانه اهدا کرده است. جلد این نسخه فرنگی، نخودی روشن، مقوایی با روکش گالینگور مشکی و آستر بدرقه و کاغذ شکری و ابعاد ۲۰/۵ × ۳۳ س م است. برخی اوراق نسخه دارای پارگی و مرمت قدیمی است. خط آن نستعلیق و کاتب آن محمدحسن محمدباقر ازوجنی اصفهانی است که اثر را در ذی القعدة ۱۳۱۸ ق کتابت کرده است (الذریعه، آقابزرگ تهرانی، ج ۹: ص ۳۳۳) و در مطبوعه امیر ابوالحسن طهرانی در طهران، بدستیاری آقا محمداسماعیل و آقا محمدابراهیم، به طبع رسیده است. این نسخه به شماره (۵۶۱۳-۶) در کتابخانه ملی نگهداری میشود.

البته شاعر تصرفات و تغییراتی در داستانها و آغاز و انجام آنها ایجاد کرده و در کنار شماره گذاری شبها، به پیروی از نام روزهای قُرس قدیم، نام روزهای هر ماه ایرانی را برای شبهای روایتش برگزیده و آن را در هزار شب روایت کرده است (مجموعه مقالات همایش ۱۷۰ سال کتابخوانی با هزارویک شب، بوذری: ص ۴۹). ابیات این منظومه ساده و روان است و محبوب آن را از شعرهای متوسط دوره قاجار دانسته است (ن.ک: داستانهای عامیانه فارسی (۱۱)، محبوب: ۵۳).

بارزترین ویژگیهای زبانی منظومه

وزن و بحر: وزن منظومه فاعلاتن، مفاعله، فعلن است که بحر خفیف سالم مخبون مقطوع را بوجود می آورد. این بحر از بحور مورد استفاده در سرودن قالب مثنوی است.

ردیف و قافیه: موسیقی کناری بحث از کلماتی است که در کناره مصراعها قرار میگیرد که همان ردیف و قافیه است.

ردیف: در منظومه هزار و یک شب ابیات مردف نیز دیده میشود. ردیفهای بکاررفته یا از نوع اسم است:

داشت اندر حرم دو دختر پاک ماه گردون بُدند و اختر پاک (۳۲۴)

هم از نوع ضمیرند:

آفریننده جهانی تو آنچه در وهم ناید آنی تو (۳۲)

ردیف در این بیت ضمیر منفصل است. ضمیرهای بکاررفته در ردیف اغلب از این نوع هستند:

کاو پیشیزی نکرد یاری من چرخ را سوخت دل به زاری من (۲۱۵)

هم از نوع حرفند مانند:

ناورم در نظر فلاطون را بنده خود کنم فریدون را (۴۱۱)

و هم فعلند. این افعال هم از نوع ربطی و هم فعل تام هستند:

از عدالت کسی نظیرش نیست شیر را تاب تیغ تیزش نیست (۷۵)
از عبادات او توشه گرفت همچو سیمرغ قاف گوشه گرفت (۳۱۷)

دیگر نمونه‌ها عبارتند از فعل ربطی: است (۷۳)، بود (۵۶)، شدم (۹۶۶)، شدند (۹۶۵)، بودیم (۲۱۰).
فعل تام: کن (۸۵۶)، مده (۸۵)، داد (۲۲۱)، پیران (۱۰۸۷)، داشت (۱۸۲)، کشید (۸۹۲)، ناماند (۳۲۳)، دانی (۳۰۵).
گاهی نیز ردیف گروهی از کلمات است:

از زمین تا به نه سپهر از اوست تیر و بهرام و ماه و مهر از اوست (۲۱)
زهره و مشتری و مه ز توآند پیل و فرزین و اسب و شه ز توآند (۱۶)

از تو (۲۸)، اوست (او است)، (۷۴)، تست (=تو است) (۵۳)، تویی (=تو هستی) (۱۱)، -ند از تو (۲۸)، از تست (۵۳)،
نکته جالب درباره ردیف در این منظومه این است که اغلب ابیات مردف بیشتر در قسمت غیرروایی بکار رفته است.
قافیه: قافیه در این منظومه یا اسمی است یا فعلی که در اغلب ابیات قافیۀ اسمی دیده شده است. همچنین انواع
هجای قافیه نیز در این اثر دیده شده است.

- CV: لانه/دانه (۹)، افسانه/شانه (۱۱۹)، دشنه/تشنه (۳۲۷)، طلایه/سایه (۸۹۲)، توشه/گوشه (۳۱۷).
- C \check{V} : او/هو (۴)، عزّی/معزّی (۱۸۲)، بدو/مو (۵۸۶)، صحرا/پیما (۸۳۱)، جمالی/خالی (۸۲۰)، نوا/آشنا (۲۱۰).
- CVC: نصرت/عشرت (۲۲)، بر/در (۲۲۱)، گل/بلبل (۶۱)، جم/خدم (۱۲۵).
- C $\check{V}C$: روان/پستان (۸۲)، روم/معدوم (۱۰۶۷)، راز/آغاز (۱)، رباب/کباب (۲۱۱)، فلاطون/فریدون (۴۱۱)،
نام/اندام (۴۸۰)، طناز/ناز (۱۱۸)، تاب/آب (۱۴۵)، خواب/مهتاب (۲۴۹). این هجا پرکاربردترین نوع هجای قافیه
در منظومه هزارویک شب است.
- CVCC: رخت/درخت (۲۰۱)، رشک/اشک (۱۰۸۰)، پلنگ/نهنگ (۱۷)، شکرخند/قند (۳۳۱).
- C $\check{V}CC$: بشتافت/یافت (۳۲۴)، میریخت/می آمیخت (۶۰)، گریست/نیست (۲۴۰).
در این منظومه شاعر در قافیه آرایه‌های بدیعی نیز بکار برده است. این آرایه‌ها معمولاً آرایه‌های لفظی هستند که
تجنیس مهمترین نوع این قافیه‌های بدیعی است.

انواع جناس در قافیه‌های این منظومه عبارتند از: جناس تام، جناس ناقص یا محرف، جناس ناقص افزایشی، جناس
اشتقاق و ...

ای خداوند جان و هوش و روان بخش طبعی مرا چو آب روان (۳۹۶)
تو دهی از کرم درین لانه پنچ مرغ حواس را دانه (۹)
پای بر فرق لات و عزّی داشت ننگ از عمق و معزّی داشت (۱۸۲)
دیو در سایه درخت بلند بوسه میزد به پسته دلیند (۳۰۳)
راستی قامتش قیامت بود لاله رخسار و سرو قامت بود (۳۲۸)
من بگفتم نوان به دخت شبان کای مه روز و آفتاب شبان (۸۰۰)

از تو ای کردگار آتش و باد به محمد درود و تحیت باد (۱۸)

در ابیات فوق میان کلمات «روان (روح) - روان (رونده و جاری)» و «شبان (چوپان) - شبان (شبها)» و «باد (از عناصر اربعه) - باد (فعل دعایی)» جناس تام، «لانه - دانه» جناس ناقص اختلافی، «عزی - معزی» و «بلند - بند» جناس ناقص افزایشی و «قیامت - قامت» جناس اشتقاق وجود دارد. رخت - درخت (۲۰۱)، رام - دام (۹۹۲)، رشک - اشک (۱۰۸۰)، جهانی - آنی (۳۲)، بابلی - کابلی (۷۲۳)، از دیگر نمونه‌های جناس در قافیه‌های منظومه هزارویک شب است.

ذوقافیتین از دیگر انواع قافیه در این منظومه است. در بیت زیر (کلید و نوید) و (نصرت و عشرت) هم‌قافیه‌اند.
گنج دل را کلید نصرت از اوست گنج غم را نوید عشرت از اوست (۲۲)

جدول (۱) بسامد موسیقی کناری منظومه هزارویک شب دهقان سامانی

ردیف	مؤلفه‌های موسیقی کناری	انواع	بسامد	درصد
۱	ردیف	اسمی	۵	۱/۲۵
		ضمیر	۱۳	۳/۲۵
		فعلی	۲۹	۷/۲۵
		حرفی	۹	۲/۲۵
		گروهی	۱۳	۳/۲۵
۲	قافیه	CV	۱۵	۳/۷۵
		C \bar{V}	۲۷	۶/۷۵
		CVC	۵۵	۱۳/۷۵
		C \bar{V} C	۱۲۹	۳۰/۵۰
		CVCC	۳۴	۸/۵۰
		C \bar{V} CC	۱۱	۲/۷۵
		قافیه‌های بدیعی	۴۷	۱۱/۷۵
		ذوقافیتین	۷	۱/۷۵
		قافیه الحاقی	۱۳	۳/۲۵

صنایع لفظی

صنایع لفظی همان موسیقی درونی است که انواع تکرار و انواع جناس از مهمترین این آرایه‌ها بشمار می‌آیند. دهقان سامانی در این منظومه تکرار را بصورت تکرار واج، واژه و جمله بکار برده است. در حوزه دیداری به آرایه تکرار توجه فراوان میشود؛ زیرا همشکلی و همخوانی کلمات، التذاذ را در پی دارد (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: صص ۸۳-۸۴).

تکرار: تکرار واج: تکرار واج به دو صورت همصدایی و همحروفی دیده شده است که از هر مورد نمونه‌ای ذکر میشود:

همصدایی (س) و (ش) در بیت اول و (ر) و (ز) در بیت دوم:

دست برزد نخست بر شمشیر	شد بسوی حرمسرای چو شیر (۳۵۶)
آنچنان میزدند تار ز شور	که کفن میدرید مرده به گور (۶۰۳)

هم‌آوایی مصوت بلند (آ) در بیت اول و دوم و مصوت بلند (آ) و (ای) در بیت سوم:

همچنین روز قطره تا دریا	همچنان شور پشه تا عنقا (۲۵)
ای خوشا خسروان کشور دل	که نیند از خدا دمی غافل (۲۹۸)
کاش مادر مرا نمیزادی	یا که زادی به باد میدادی (۳۲۵)

تکرار واو عطف: که در نمونه زیر در دو بیت متوالی ۹ بار بکار رفته است:

زهرة و مشتری و مه ز توآند	پیل و فرزین و اسب و شه ز توآند
شیر در بیشه و به کوه پلنگ	باز و سیمرغ و اژدها و نهنگ (۱۶-۱۷)

تکرار واژه:

تیره بود آسمان چو پرّ غراب	نه درو بود روشنی و نه تاب (۳۳۰)
من در این گفتگو که دلبر من	تافت مهتاب‌وارم از روزن (۳۹۷)
شد به زیر کهن درختی سخت	آمد افکند رخت زیر درخت (۶۱۳)
دیو چو این شنید کرد خروش	از خرویش گرفت دریا جوش (۱۰۳۰)
گفت دهقان به نام شاه بگو	شاه شاهان خدیو کشور جو (۷۱)
سال شاهی او بود پنجاه	هست پنجاه سال دیگر شاه (۸۴)

تکرار جمله: این تکرار بیشتر در ابیات متوالی بکار رفته است. مثلاً جمله «دور خوش بین که» در ابتدای ابیات ۸۲ و ۸۳ این منظومه بکار رفته است.

دور خوش بین که صعوه مسکین	کرده مسکن به دیده شاهین
دور خوش بین که میش خسته‌روان	شیر را شیر نوشد از پستان

طرد و عکس: از انواع تکرار است.

چاره‌سازی و بی‌نیازی تو	بی‌نیازی و چاره‌سازی تو (۳۰)
باغ را لاله بنفش و سنبیل	گل ز خار آوری و خار از گل (۵۴)

تصدیر: از دیگر انواع تکرار است که ابوالفتح‌خان دهقان آن را به صورتهای گوناگون بکار برده است:

دید صیاد خویش را چون صید	بسته مانند صید اندر قید (۱۰۲۳)
--------------------------	--------------------------------

پا از آن دم زنی به بانگ علی
 به ثنای علی و آل علی
 علی آئینه خدای نمای
 کز وجودش جهان شدست بپای (۵۷-۵۸)

راستی قامتش قیامت بود
 لاله رخسار و سرو قامت بود (۳۲۸)

جناس: جناس در زیبایی این منظومه تأثیر فراوان داشته است و شاعر بوفور از انواع این آرایه بهره برده است. بویژه جناس تام که در کلام موسیقی ایجاد میکند و معانی مختلف لفظی واحد را تداعی مینماید، بهمین دلیل سبب گسترش تخیل، ایجاد کشش و جلب توجه مخاطب میشود که این موارد از عوامل ایجاد زیبایی است (جناس در پهنه ادب فارسی، تجلیل: صص ۱-۲). غیر از وجود جناس در کلمات قافیه، در متن منظومه نیز جناس و انواع آن بوفور یافت میشود.

جناس تام: جناس تام نه تنها در موسیقی شعر تأثیر دارد و بر زیبایی آن میفزاید، بر جنبه معنایی نیز اثر میگذرد. جرجانی عقیده دارد شاعر در این صنعت به طریقی فریبنده، کلمه‌ای را تکرار مینماید. گویا این تکرار برای تأکید است، اما در واقع او معنای دومی را بازگو میکند که هم غافلگیرکننده است و هم بر دل مینشیند (اسرارالبلاغه، جرجانی: ص ۴). جناس تام در این منظومه فراوان است:

دور خوش بین که میش خسته روان
 لیک خیز این زمان به صد آهنگ
شیر را شیر نوشد از پستان (۸۳)
ساز کن ساز و گیر چنگ به چنگ (۹۶)

جناس مزدوج:

در سمرقند قند بود لبش
 ریختی شهد ناب از رطبش (۴۵۴)

جناس زاید (افزایشی):

باد با نسترن چو می‌آمیخت
 بر سر سبزه و شاخه گل
 نیزه و نصرتش به زیر فلک
 از سر او ستاره‌ها میریخت (۶۰)
سبز در سبز می زدی بلبل (۶۱)
 سوده سر بر سماک پایه سمک (۷۶)

جناس اختلافی:

شد شه زنگ چیره بر شه روم
 در کمان سپهر تیر از تست
 کرد در ملک مغربش معدوم (۱۰۶۷)
 دست بهرام تیغ گیر از تست (۵۳)

جناس محرف:

گفت این فتنه جو کنیز بمرد
گلستان مرا گلستان کن
 همچو گل سر به گل فرو در برد (۷۴۳)
 آنچه باشد رضای تو آن کن (۴۵)

- مَلْک و مُلْک از او گرفته قرار
 -جناس اشتقاق:
 راستی قَامَتِش قِیامت بود
 لاله رخسار و سرو قامت بود (۳۲۸)
- دور خوش بین که صعوه مسکین
 -جناس شبه اشتقاق:
 به قناعت بسازم و سوزم
 کرده مسکن به دیده شاهین (۸۲)
- گفت با او به مهر دنیازاد
 -جناس مرکب:
 مگرم بهر غصه دنیا زاد (۶۰۸)

جدول (۲) بسامد موسیقی درونی منظومه هزارویک شب دهقان سامانی

ردیف	مؤلفه‌های موسیقی کناری	بسامد	درصد
۱	تکرار	۹۹	۲۴/۷۵
۲	طرد و عکس	۲	.۵۰
۳	تصدیر	۶	۱/۵۰
۴	جناس	۵	۱/۲۵

فرایندهای واجی

فرایندهای واجی در این منظومه افزایش، کاهش، الف اطلاق، ابدال، تسکین، و اماله است.

الف) افزایش (تشدید)

- تیره بود آسمان چو پیر غراب
 نه درو بود روشنی و نه تاب (۳۳)
- خط تو رشک خط قابوس است
 جلوه‌گر همچو پیر طاوس است (۲۲۸)

ب) کاهش (تخفیف)

- از تو ای کردگار آتش و باد
 همچو مه بازگشت پنهانی
- چون که برگشت شه زمان ز شکار
 اهرمن را پری چو دید به خواب
- به محمد درود و تحییت باد (۱۸)
 شد خرامان به کاخ سلطانی (۲۹۴)
 روز شه را بدید چون شب تار (۲۶۸)
 ریختی ستاره بر مهتاب (۲۴۹)

دید در باغ با هزار فسوس شده همداستان سگی و خروس (۶۰۱)

در منظومه هزارویک شب دهقان از میان فرایندهای واجی تخفیف پرکاربردترین فرایند است.

(ج) الف اطلاق

ای خوشا خسروان کشور دل که نیند از خدا دمی غافل (۲۹۷)

(د) تسکین

دو سگ اندر قفاش بود سیاه کشته پر کرد رخ ز صدمه راه (۶۲۵)

کلمات و ترکیبها

از میان انواع کلمات «اسم» بیش از همه در منظومه نمود یافته است. تعداد اسامی ذات بیش از معناست؛ زیرا محور منظومه بر قالب داستان استوار است، آن هم داستانها و حکایات ملموس که اغلب توصیفات آن حسی است، اما آنجا که شاعر از عواطف سخن میگوید و حالات درونی شخصیتها را وصف میکند، از اسامی معنا نیز کمک میگیرد. بعنوان مثال در بیت:

ای خداوند جان و هوش و روان بخش طبعی مرا چو آب روان (۳۹۶)

کلمات جان-هوش-روان و طبع اسم معنا هستند. اسامی در این منظومه معمولاً ساده هستند و ساخت پیچیده‌ای ندارند. در کنار این موارد با کلمات عربی نیز برخورد میکنیم: عجز/الواصفون/عن/صفتک (۱۴)، بسم الله (۳۹)، ذوالکرم/ذوالمعالی/ذوالفخر (۱۸۷)، سماک/سمک (۷۶).

تتابع اضافات

در کمان سپهر تیر از تست دست بهرام تیغ‌گیر از تست (۵۳)

نام بسم‌اللهی که گشت طراز گفت کای باب آفتاب منیر شد کلید در خزانة راز (۳۹)
 ای فرازنده سپهر برین هستی امشب چرا چنین دلگیر (۳۳۳)
 ای خوشا خسروان کشور دل ای فروزنده مه و پروین (۷)
 که نیند از خدا دمی غافل (۲۹۸)

تنسيق الصفات

گفت که ای دیو شوم پتیاره کن بدین درد پند را چاره (۹۸۸)
 اهرمن گفت با پریرخ خویش ای بت مهربان مهراندیش (۳۰۴)
 مهترین بود شهرزاد به نام گلرخ و ماهروی و سیم‌اندام (۴۸۰)

شوخی و تاریخ‌دان و نکته‌سرا داستان‌ها به یادش از امرا (۳۸۹)

در منظومه هزارویک شب دهقان سامانی تتابع اضافات نسبت به تنسیق الصفات کاربرد فراوانتری دارد. جدول (۳) بسامد فرایندهای واجی و کلمات و ترکیبات منظومه هزارویک شب دهقان سامانی

ردیف	عناصر زبانی	انواع	بسامد	درصد
۱	فرایندهای واجی	افزایش	۵	۱/۲۵
		کاهش	۲۶	۶/۵۰
		الف اطلاق	۱	۰/۲۵
		ابدال	۳	۰/۷۵
		تسکین	۱	۰/۲۵
		اماله	۱	۰/۲۵
۲	کلمات و ترکیبات	تنسیق الصفات	۱۳	۳/۲۵
		تتابع اضافات	۲۵	۶/۲۵

مهمترین صنایع ادبی منظومه

در این سطح همان‌طور از نامش پیداست، اشعار از نظر ادبی بررسی میشوند و خلاقیتها و ابتکارات شاعر کشف میشود. دهقان سامانی در منظومه هزارویک شب انواع صناعات معنوی را بکار برده است که در این مجال به مهمترین آنها اشاره میشود:

تناسب: از آرایه‌های مورد علاقه دهقان سامانی است که در اغلب ابیات منظومه دیده میشود. این تناسبات موارد فراوان و مختلفی را دربر میگیرد. مانند نام شهرها، مکانها، اعضای بدن، عناصر مختلف، حیوانات، اصطلاحات مربوط به بازی، سیارات و ستارگان و ...

تا ز شـیراز و اصفهان نام است	سخن از بصره است و از شام است (۴۲۸)
پا یکی جام می گرفت به دست	او ز می مست و من ز چشمش مست (۱۲۲)
ای فرازنده سپهر برین	ای فروزنده مه و پروین (۷)
در کمان سپهر تیر از تست	دست بهرام تیغ‌گیر از تست (۵۳)
صید دل کرده چهره‌اش مادام	لب و چشمش چو پیسته و بادام (۲۴۳)
باد فرآش باغ و بستان گشت	زد سرآورده‌های سبز به دشت (۹۸۹)
ای برآزنده سپهر کبود	داور خاک و باد و آتش و دود (۴۰۹)

از بهترین نمونه‌های مراعات نظیر میتوان به ابیات زیر اشاره کرد:

زهره و مشتتری و مه ز توآند	بیل و فرزین و اسب و شه ز توآند
شیر در بیشه و به کوه پلنگ	باز و سیمرغ و اژدها و نهنگ (۱۶-۱۷)

از زمین تا به نه سپهر از اوست تیر و بهرام و ماه و مهر از اوست (۲۱)

تضاد: بعد از تناسب، تضاد از آرایه‌های پر کاربرد این منظومه است. در هزارویک شب تضاد به سه صورت بکار رفته است:

الف) شاعر در یک بیت یا مصراع دو کلمه متضاد را با فاصله از یکدیگر آورده است:

من بگفتم نوان به دخت شبان	کای مه روز و آفتاب شبان (۸۰۰)
کاش مادر مرا نمیزادی	یا که زادی به باد میدادی (۳۲۵)
این گدایی بود امیری نیست	ای خوشی آنکه در گدایی زیست (۲۶۹)

ب) دو کلمه متضاد با «و» عطف مرتبط شده‌اند:

در لب خاص و عام خنده نماند	دختری از جفاش زنده نماند (۳۷۹)
اوست باقی و فانید جز او	وحده لا اله الا هو (۴)
گفت سوگند بر خدای جهان	خورده‌ام اندر آشکار و نهان (۸۸۶)

ج) دو کلمه متضاد بدون هیچ فاصله‌ای همجوار شده و در کنار هم قرار گرفته‌اند که این نوع، از موارد نادر است و بندرت بکار رفته است.

اعتمادی است مرا بر خاتون شوم از یار نیک بددل چون (۲۳۵)

تلمیح: دهقان سامانی در تلمیحات هزارویک شب از انواع تلمیحات بویژه تلمیحات تاریخی و اسطوره‌ای بهره میگیرد.

الف) تلمیحات اسطوره‌ای

آنکه بر تخت چون فریدون است	فرش از کیقباد افزون است
بنده‌اش خسرو است و کیخسرو	از منوچهر برده است گرو
رستم و اشکبوس چاکر اوست	چرخ تخت آفتاب افسر اوست
در رکابش پیاده کیکاووس	دود و دردهد به پایش بوس (۷۲-۷۵)
شه چون اسفندیار روئین‌تن	شد بسوی بت خدنگ‌افکن (۹۱۲)
شد برم با جمال خورشیدی	داشت در دست جام جمشیدی (۴۴۵)

در این نوع تلمیح شاعر هم از شاهان اسطوره‌ای (فریدون، کیقباد، کیخسرو، منوچهر، کیکاووس، جمشید) و هم پهلوانان اسطوره‌ای (رستم، اشکبوس، اسفندیار) یاد کرده است.

ب) تلمیحات مذهبی

دیو شب با هزار بردابرد	رو چه بر کشور سلیمان کرد (۲۷۵)
پا از انگشت هم شما اکنون	چون سلیمان نگین کنید برون (۳۱۳)

ج) تلمیحات تاریخی

عدل نوشیروان جم دارد	صد چو الپ ارسلان خدم دارد (۱۲۵)
خط تو رشک خط قابوس است	جلوه‌گر همچو پرتاوس است (۲۲۸)
پای بر فرق لات و عزّی داشت	ننگ از عمعق و معزی داشت (۱۸۲)
ناورم در نظر فلاتون را	بنده خود کنم فریدون را (۴۱۱)

با این همه تلمیحات مرکزی شاعر، تلمیحات اسطوره‌ای بویژه شاهان و پهلوانان شاهنامه‌ای است. **استعاره:** کزازی استعاره را دامی تنگتر و نهانتر از تشبیه میداند که سخنور درمقابل مخاطب پهن میکند و همین امر ارزش هنری آن را از تشبیه افزونتر مینماید و شیوه‌ای در بازنمود اندیشه‌های شاعرانه است (بیان، کزازی: ص ۹۴).

شاعر این صورت خیال‌انگیز را به صور گوناگونی مانند مصرحه، مکنیه، قریب و بعید، اصلیه، تبعیه و اضافه استعاری بکار برده است.

این بگفت و به زانوان <u>صنم</u>	سر نهاده بخفت دیو دژم (۳۲۶)
آن پریرخ چو دیدشان لرزان	کرد خنده <u>قند</u> را ارزان (۲۵۴)
دسته کرده <u>بنفشه</u> بر سر گل	بسته بر <u>سرو</u> صد چمن <u>سنبل</u> (۵۸۷)
در کمان <u>سپهر تیر</u> از تست	<u>دست بهرام</u> تیغگیر از تست (۵۳)

در ترکیب دست بهرام چون شاعر برای سیاره بهرام دست که از لوازم جانداران است، در نظر گرفته استعاره مکنیه است، قریب و اصلیه. همچنین دست بهرام استعاره از نوع اضافی است. مانند طره فکر در بیت ۱۱۹ این منظومه: از پی نظم این خوش افسانه طره فکر را بزن شانه

که شاعر برای فکر، مانند انسان طره در نظر گرفته است.

جاندارانگاری: جاندارانگاری همان استعاره مکنیه است که یکی از طرفین، یکی از اجزاء یا ویژگیهای انسان است و در واقع جان‌بخشیدن به جانوران، اشیاء و عناصر گوناگون است. تشخیص این عناصر میتواند طبیعت و پدیده‌های طبیعی، اشیاء، حالات و صفات انسانی و اعضای بدن او باشد و گاه میتواند مفاهیم انتزاعی باشد. دهقان سامانی در هزارویک شب به گلها، پرندگان، حیوانات، اشیاء و جمادات، سیارات و افلاک و مفاهیم انتزاعی جان میبخشد و نمود این آرایه در این منظومه فراوان است.

مثلاً ظلم مانند انسانی میگریزد:

ظلم بر روی قاف بگریزد	جور را دود نیستی خیزد (۱۳۴)
-----------------------	-----------------------------

آب مینالد:

- دهد آتش به دیگ کمتر تاب تا که از دست او ننالد آب (۱۴۵)
- چنگ و مرغ و رعد ناله سرمیدهند:
- که ننالد به عهد او جز تار بجز چنگ و مرغ و رعد بهار (۱۶۳)
- باد رخت برمیکند:
- باد وی را کجاست زهره که رخت برکنند از آن گیاه و درخت (۲۰۱)
- مشتی نامه فتح در دست میگیرد:
- مشتی بر سعادتش پیوست نامه فتح برگرفته به دست (۱۳۰)

که این تشخیصها درعین سادگی زیبا هستند و نقش عمده‌ای در زیبایی تصاویر شعری این منظومه دارند. تشبیه: مشبه و مشبه‌به‌ها در این منظومه متنوعند. انسانها، ویژگیها و صفات، اعضای بدن و حتی چهره و زیبایی آنها، حیوانات و جانوران، درختان و گیاهان، پدیده‌های طبیعت مانند روز و شب و صبح و حتی عناصر آن مانند کوه و دشت و دریا، مفاهیم انتزاعی و... مورد تشبیه قرار گرفته است. مشبه‌به‌ها نیز مانند مشبه‌ها فراوان و مختلفند. البته اغلب مشبه‌ها انسان و وابسته‌های اوست. همچنین شاعر در تشبیهات مرسل انواع ادات تشبیه را بکار برده است: چو، چون، همچو، همچون، وار، مانند و ... نوع تشبیه در این بیت مرسل، مفصل، مفرد به مفرد و حسی به حسی است.

خواجه لرزان چو بید گشت ز بیم شه به جان زیر تیغ او تسلیم (۶۱۳)

نوع تشبیه در این بیت مرسل، مرکب به مرکب و حسی به حسی است.

ادبای جهان برت شده جمع همچو پروانه در حوالی شمع (۱۷۰)

نوع تشبیه در مصراع اول: بلیغ غیراضافی، مفرد به مفرد، حسی به حسی.

نوع تشبیه در مصراع دوم: بلیغ غیراضافی، حسی به عقلی

خنجر کابلی زبانش بود چشمه زندگی دهانش بود (۳۷۰)

دیو شب با هزار بردابرد رو چه بر کشور سلیمان کرد (۲۷۵)

پا از انگشت هم شما اکنون چون سلیمان نگین کنید برون (۳۱۳)

نوع تشبیه: مرسل مجمل، مفرد به مفرد، حسی به حسی و ملفوف (یعنی در آن لف و نشر وجود دارد، آن هم از نوع مرتب). لب به پسته و چشم به بادام تشبیه شده است.

صید دل کرده چهره‌اش مادام لب و چشمش چو پسته و بادام (۵۲۶)

با اینکه تشبیه و انواع آن در این منظومه بسیار بکار رفته، تشبیهات وی اغلب ساده هستند و پیچیدگی و ابهام ندارند. اما این امر دلیل بر آن نیست که در تشبیهات وی ابتکاراتی دیده نشود. در این منظومه تشبیهاتی دیده میشود که خاص شاعر است. مانند:

همچو خشخاش تارکش شد خورد برکشید از جگر خروشی و مُرد (۶۱۴)

نوع تشبیه: مرسل، مفصل، مفرد به مفرد و حسی به حسی است، اما مانند شدن فرق سر به خشخاش تشبیهی نو، جدید و خاص شاعر است، از این رو تشبیه غریب بشمار می‌آید.

تو دهی از کرم درین لانه پنج مرغ حواس را دانه (۹)

نوع تشبیه: بلیغ و از نوع اضافی، مفرد به مفرد و حسی به حسی است، اما شبیه کردن حواس پنجگانه به پنج مرغ تشبیهی نو و غریب است.

از دیگر تشبیهات غریب و جدید، که خاص دهقان سامانی است، تشبیه غصه به کبریت است:

چشم بر ره که کی رسد عفریت گشته سوی ره آن ز غصه چون کبریت (۶۲۰)

کنایه: به نمونه‌هایی از کنایه در منظومه هزارویک شب اشاره میشود:

از پی حکم تسست راهسپر مه در این گنبد دوازده در (۱۰)

«گنبد دوازده در» کنایه موصوف و در معنای فلک و روزگار است.

کارفرمای کشور اصطخر ذوالکرم ذوالمعالی ذوالفخر (۱۸۷)

«کارفرمای کشور اصطخر» کنایه موصوف و منظور شاه است که ممدوح دهقان سامانی است.

دختر از هر دو دیده آب گشود گشت مرغی را ز آب ربود (۸۲۵)

«آب گشودن» کنایه فعل است در معنای گریه کردن.

گفت این فتنه‌جو کنیز بمرد همچو گل سر به گل فرو در برد (۷۴۳)

«سر به گل فرو بردن» کنایه فعل است در معنای مردن.

اغلب کنایات این منظومه از نوع قرینند و درک ارتباط لازم و ملزوم پیچیده نیست و قابل فهم است. مانند:

از گدای گرسنه تا جمشید از ثریا گرفته تا خورشید (۱۹)

«از گدای گرسنه تا جمشید» کنایه است از همه مردم از فقیر تا غنی و «از ثریا گرفته تا خورشید» کنایه است از همه مخلوقات جهان است که هر دو مورد قریب و از نوع موصوف هستند.

چون شنیدم من این سخن زان ماه دست سعیم ز چاره شد کوتاه (۸۵۷)

«کوتاه شدن دست از چاره» کنایه فعل است در معنای ناتوان شدن فرد.

بر همه کار باشدش یارا گل ز خار آرد و نم از خارا (۵)

«گل از خار و نم از خارا آوردن» کنایه ایماء و در معنی انجام کار غیرممکن است.

چون گل داستان شکفتن کرد غنچه لب تری قصه کردن کرد (۷۷۶)

«شکفتن گل داستان» کنایه ایماء است در معنای به اوج رسیدن داستان.

که جز این است ناپسند افتاد خون من گر خوری حلالیت باد (۸۵۰)

«خون کسی را خوردن» کنایه تلویح از نفرت داشتن از اوست.

در نظر شفیعی کدکنی، کنایه از طبیعت‌ترین شیوه‌های بیان است و در گفتگوهای عامه مردم و امثال و حکم رایج در زبان آنان یافت میشود (صورخیال، شفیعی کدکنی: ص ۱۴۷).

اغراق: این آرایه در منظومه هزارویک شب دهقان سامانی بکار رفته است. اغراق‌های این منظومه موارد متعددی را شامل میشود. شاعر در وصف زیبایی چهره زنان و مردان، پهلوانی و قدرت آنان، عدالت‌پیشگی، حتی حیوانات و جانوران، طبیعت، پدیده‌ها و عناصر طبیعی، اشیاء، میدانهای جنگ و ابزار جنگی و ... اغراق بکار میبرد. بعنوان مثال:

منم آن آهوی پلنگ‌افکن که دریم چرم شیر را بر تن (۷۷۷)

شهباز به آهوئی مانند شده که پلنگ را شکست میدهد و چرم و پوست شیر را بر تن او پاره میکند.

که ننالد به عهد او جز تار بجز از چنگ و مرغ و رعد بهار (۱۶۳)

شاعر در عدالت‌پیشگی شاه اغراق بکار برده است. پادشاه آنقدر عادل بوده که در زمان حکومت وی بجز چنگ و مرغ و رعد بهاری، هیچکس ناله و شکایت نمیکند و در دوران او بجز شیپور و کوس و طبل و کمان هیچ کس و چیزی فغان سرنمیدهد.

نیست در دور او کس به فغان جز که شیپور و کوس و طبل و کمان (۱۷۹)

شاعر در بیت زیر در توصیف قهر شخصیت داستان اغراق بکار میبرد. قهر و خشم او آنقدر سهمگین است که با شنیدن صدای خروشش، آسمان و زمین دچار جوش و اضطراب میشوند.

کوس قهرش کشد چو رعد خروش آسمان و زمین فتد در جوش (۱۴۸)

قسمت عمده اغراق‌های دهقان در این منظومه مربوط به انسان، صفات و ویژگیهای و اعضای بدن اوست.

جدول (۴) بسامد مهمترین آرایه‌های سطح ادبی منظومه هزارویک شب دهقان سامانی

ردیف	صنایع ادبی	بسامد	درصد
۱	تناسب	۷۹	۱۹/۷۵
۲	تضاد	۲۳	۵/۷۵
۳	تلمیح	۲۹	۷/۲۵
۴	جاندارانگاری	۳۵	۸/۷۵
۵	استعاره	۴۳	۱۰/۷۵
۶	تشبیه	۷۳	۷۵/۶
۷	اغراق	۲۷	۶/۷۵

برجسته‌ترین اندیشه‌های ابوالفتح‌خان دهقان سامانی

حمد و ثنای خدا: معمولاً منظومه‌های غنایی با نام خداوند و حمد و ثنای او آغاز میشوند (یکصد منظومه عاشقانه ادب فارسی، ذوالفقاری: صص ۳۵-۳۷). ابوالفتح‌خان نیز منظومه خود را با ستایش خداوند آغاز میکند.

اول از کردگار جویم راز
 کردگار سپهر و خاک تویی
 آفریننده جهانی تو
 نامه بر نام او کنم آغاز (۱)
 داور بی نیاز پای تویی (۱۱)
 آنچه در وهم ناید آنی تو (۳۲)

نه‌تنها در مقدمه که در متن داستانها نیز اعتقاد او به خداوند پاک دیده میشود:

ای برآرنده سپهر کبود
 داور خاک و باد و آتش و دود (۴۰۹)

و میخواهد بدو طبع روان ببخشد:

ای خداوند جان و هوش و روان
 بخش طبعی مرا چو آب روان (۳۹۶)

نعت پیامبر (ص): نعت رسول اکرم (ص) از مواردی است که اغلب در شعر شاعران شیعه‌مذهب دیده میشود. این شاعران بلافاصله بعد از حمد خدا، به نعت پیامبر (ص) میپردازند و ابیاتی را در توصیف معراج او می‌آورند. دهقان سامانی هم از این امر مستثنی نیست و ضمن نعت پیامبر، از خداوند بر آن حضرت درود و سلام می‌فرستد:

از تو ای کردگار آتش و باد
 به محمد درود و تحیت باد (۱۸)

و ایشان را تاج پیامبران معرفی میکند.

دین حق را از او رواج بود
 شاه پیغمبران به تاج بود (۵۶)

مدح امام علی (ع): اگر سراینده منظومه شیعه باشد، پس از حمد خدا، به نعت پیامبر و منقبت امام علی (ع) و مدح ائمه (ع) میپردازد و کمتر شاعری این ساختار را می‌شکند (ر.ک: تحلیل ساختاری و محتوایی مثنویهای روایی

شیعی در عصر قاجار، نظری و سیف: ص ۸۵). دهقان در منظومه هزارویک شب به مدح و ثنای امیرالمؤمنین میپردازد و آن حضرت را آئینه خدانمای معرفی میکند:

یا از آن دم زنی به بانگ علی به ثنای علی و آل علی
علی آئینه خدانمای کز وجودش جهان شد دست بیای (۵۷-۵۸)

اعتقاد به رضای خدا در انجام امور: دهقان سامانی معتقد به رضای خدا در انجام امور است. رسیدن به مرحله رضا و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های پروردگار از مراحل کمال آدمیان است. او در منظومه هزارویک شب پس از درخواست و دعا، باز هم تسلیم خواست اوست و از پروردگار میخواهد آنچه را که رضایش در آن است، رقم بزند: گلستان مرا گلستان کن آنچه باشد رضای تو آن کن (۴۵)

اشاره به آیات قرآن و احادیث: جوهر شعر و ادب فارسی برگرفته از دین اسلام است و اندیشه‌های شاعران و نویسندگان از آموزه‌ها و تعالیم مذهبی و اسلامی سرچشمه گرفته که در رأس آنها کتاب آسمانی قرآن قرار دارد (کلام خدا در شعر سهراب سپهری، خواجه آف: ص ۴۲). در منظومه هزارویک شب نیز مصادیق تأثیرپذیری از قرآن و احادیث و روایات پیامبر دیده میشود:

اول از کردکار جویم راز نامه بر نام او کنم آغاز (۱)

که مصراع دوم بیت اشاره دارد به آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

آفریننده جهانی تو آنچه در وهم ناید آنی تو (۳۲)

مصراع اول بیت اشاره دارد به آیه ۷ سورة اعراف^۱ و آیه ۳۸ سورة ق^۲.

اوست باقی و فانید جز او وحده لا اله الا هو (۴)

مصراع دوم بیت بخشی از حدیث نبوی است که میفرماید: «مَنْ قَالَ حِينَ يَدْخُلُ السُّوقَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ بَعْدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳ (بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۰: ص ۳۶۹).

هاتف اصفهانی نیز ترکیب‌بندی دارد که بیت آخر هر بند چنین است:

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

بیت زیر اشاره دارد به حدیث معروف پیامبر «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ وَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»^۴ (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۹: ص ۵۳۲).

۱. إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...

۲. وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ.

۳. هر کس وقتی وارد بازار میشود این ذکر را بگوید، به اندازه تعداد خلق خدا روز قیامت به او پاداش میدهد.

۴. ترجمه: ما تو را چنانکه حق معرفتت میباشد نشناختیم، و ما تو را آنگونه که حق عبادت تو است پرستش نکردیم!

عجز الواصفون عن صفتک ما عرفناک حق معرفتک (۱۴)

و «لمن الملك واحد القهار» به آیه ۱۶ سوره غافر اشاره دارد.

مَلْک و مُلْک از او گرفته قرار لمن الملک واحد القهار (۲)

البته اشاره به آیات و احادیث بیشتر در آغاز منظومه است و در قسمت داستانش کمتر دیده میشود. تمایل به عرفان: در صفحه دوم منظومه هزارویک شب، قسمت عنوان، از دهقان با نام «العارف الکامل» و در شمسۀ پایانی نسخه از او با عنوانهای «زیده العرفا و السالکین» و «فخرالأدبا و العارفین» یاد شده است. تمایل شاعر به اصطلاحات عرفان و تصوف در اشعار وی بهترین دلیل بر تمایل ابوالفتح‌خان به عوالم عرفانی است (شرح حال و آثار دهقان سامانی، رحیم‌خانی سامانی: ص ۱۴۱). امتناع شاعر از تأهل و مجرد بودن از دنیا و تأثیر نفس گرم همنشینان عارفی مانند ابوالفقرا و آخوند کاشی، سبب انزوای شاعر از دنیا و میل او به سیروسلوک عرفانی شده است (همانجا: ص ۱۴۰).

بهره‌گیری گسترده از فرهنگ عامه: دهقان سامانی از عناصر فرهنگ عامه و آداب و رسوم و باورهای عامیانه بسیار بهره گرفته است. رسوم مربوط به ازدواج، جشن و سرور، عزا و سوگ، مجازات، باورهای گوناگون اعم از نجومی: طالع و بخت و سعد و نحسی/ باورهای طبی، خرافات و سحر و جادو و ... از دواج:

آن پریچهره را به صد آیین با پسر ساختم به جان کابین (۸۶۲)

باده‌نوشی:

هم تو بگسار باده احمر تا که من میکنم حکایت سر (۱۲۱)

باورهای عامه:

او نباشد از کسش یک جو مه دهد نور و سگ کند عوعو

اعتقاد عامه بر این بود که ماه از شروع بدر و امتلاء، بخصوص در منزل «عوا» و «سماک»، سگها را برمی‌انگیزد و آنها را به عوعو وامیدارد (فرهنگ اصطلاحات نجومی، مصفا: ص ۶۹۷) و آن را نشانه بدشگونی دانسته‌اند. باور به شوم بودن زاغ نیز جزو این باورهاست.

ای سیه‌زاغ شوم بدپییمان سینه کبک را غنیمت دادن (۲۱۱)

همچنین اعتقاد به بخت و طالع و سعد و نحس بودن آن از باورهای عامیانه در این منظومه است.

حافظت باد مهربان داور دهدت بخت و سعدی اختر (۴۳۷)

اصطلاحات نجومی:

از زمین تا به نه سپهر از اوست تیر و بهرام و ماه و مهر از اوست (۲۱)

سپهر، مه، گنبد دوازده در (۱۰)، زهره و مشتری و مه (۱۶)، هفت اختر (۲۸)، سپهر و بهرام (۵۳)، فلک و سماک (۷۶)، مشتری (۱۳۰)، ثریا و زهره (۲۱۱)، ستاره و مهتاب (۲۴۹)، ماه، گردون و اختر (۳۲۴)، چرخ برین (۳۶۴).
اصطلاحات موسیقی:

برسانندی صدای تار و رباب به ثریا و زهره گشت کباب (۲۱۱)

آهنگ، ساز و چنگ (۹۶)، تار و چنگ (۱۶۳)، نوا (۲۱۰)، تار و شور (۶۰۳).

اصطلاحات بازی و سرگرمی:

زهره و مشتری و مه ز توآند پیل و فرزین و اسب و شه ز توآند (۱۶)

اصطلاحات حماسی و جنگی:

در کمان سپهر تیر از تست دست بهرام تیغ‌گیر از تست (۵۳)

تیغ و تیر (۷۵)، نیزه (۷۶)، خشم و غضب (۹۶)، نامه فتح (۱۳۰)، قهر و رعد و جوش و خروش (۱۴۸)، شیپور و کوس و طبل و کمان (۱۷۹)، دژم (۳۰۶)، دشنه (۳۲۷)، خنجر (۳۷۷)، اسیر شدن (۵۰۷)، تیغ و چاک ساختن (۵۲۳)، بیم و تیغ (۶۲۳).

نقدی بر سروده شاعر

وجود عوامل مخل فصاحت: در این منظومه ابیاتی بچشم میخورد که فصاحت لازم را ندارند؛ شاعر در سرودن منظومه، بخشهایی از داستان را از قلم انداخته است. همچنین بعد از اینکه حکایاتی کوتاه در متن داستان ذکر کرده، دوباره به اصل داستان بازگشته است؛ بدون اینکه فاعل را ذکر کند؛ یعنی فاعل را بی قرینه حذف نموده و همین امر سبب ابهام در درک داستان شده است که نمونه آن را در ابیات ۳۵۵ و ۳۵۶ منظومه میتوان دید.

خر برآورد آهی از دل گفت باش بیدارمان که بخت بخفت
دست برزد نخست بر شمشیر شد بسوی حرمسرای چو شیر

که بیت نخست، پایان حکایت است و بیت دوم ادامه ماجرای اصلی داستان که چون فاعل اصلی جمله مشخص نیست، درک آن مبهم است.

اشکالات وزنی

اشکالات وزنی از ویژگیهای این منظومه بشمار می‌آید؛ به نمونه‌هایی اشاره میشود:

برد وزیر هنرپرداز شهرزاد طناز را در بر شهرباز (۵۸۵)

باد را کجاست زهره که رخت
برکنند از آن گیاه و درخت (۲۰۱)

چشم بر ره که کی رسد عفریت
گشته سوی ره آن ز غصه چون کبریت (۶۲۰)

نتیجه‌گیری

ابوالفتح‌خان دهقان سامانی از شاعران توانمند دوره قاجار و از شاعران سبک بازگشت است که منظومه هزارویک شب شاهکار وی است. او با بهره‌گیری فراوان از انواع آرایه تکرار و جناس در قافیه، قافیه‌های بدیع ساخته است. شاعر انواع هجاها را مورد استفاده قرار داده است، که هجای CVC پرکاربردترین بوده است. انواع ردیفهای اسمی، فعلی و حرفی در این منظومه دیده میشود که ردیفهای فعلی کاربرد بیشتری داشته است. وجود انواع مختصات آوایی و فرایندهای واجی مانند افزایش و کاهش و ابدال، جناسهای مختلف، تکرارهای فراوان و دیگر آرایه‌های لفظی همچون تصدیر و طرد و عکس در سطح بیت از برجستگی زبان شاعر حکایت میکند. غیر از این موارد زبان شعری دهقان بسیار ساده و پیرو سبک خراسانی است. دهقان سامانی با بکار بردن انواع آرایه‌های بیانی که مهمترین آنها تناسب، تضاد و تلمیح است و نیز استعاره، تشبیه، کنایه و اغراق بطور گسترده بر غنای ادبی منظومه افزوده است. او در استفاده از صور خیال بیشتر مقلد بوده و در مواردی نادر، ابداعات و ابتکاراتی داشته است، باوجوداین تسلط شاعر بر انواع آرایه‌های بیانی و بدیعی و ظرافتهای شعری مشهود است. در سطح فکری میتوان اعتقاد وی به خدا و حمد و ثنای خالق یکتا، نعت پیامبر (ص)، مدح امام علی (ع)، اعتقاد به رضای خدا در انجام امور، اشاره به آیات قرآن و احادیث را مشاهده کرد که بیانگر اندیشه‌های مذهبی و اعتقادات شیعی شاعر است. همچنین در سروده‌های شاعر تمایل به عرفان و جذبه‌های عرفانی دیده میشود. استفاده فراوان از اصطلاحات علوم مختلف بیانگر آگاهی و اطلاعات وی، و فراوانی اشارات مربوط به آداب و رسوم و باورهای عامیانه نشان‌دهنده مردمی بودن این شاعر است. مسئله دیگر درمورد این منظومه وجود اشکالات وزنی و عوامل مخل فصاحت است. همچنین شاعر با توجه به هزارویک شب طسوجی، قسمتهایی از روایت را از قلم انداخته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله توسط سرکار خانم خیرالنسا محمدپور و سرکار خانم دکتر فرشته محجوب که به عنوان پژوهشگران در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه پیام نور و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق

کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- The Holy Quran
- Tarab Esfehani, Abolghasem Ibn Rezagholi. (۱۹۶۳). *Divan Tarab, Tarb Esfahani*, with introduction and notes by Jalaluddin Homayi, Tehran: Foroughi, p. ۱۰۵.
- Aqabzorg Tehrani, Mohammad Mohsen. (۱۹۸۲). *Al-Zari'ah al-Tasanif al-Shi'a*, Compiled by Ahmad ibn Mohammad Husseini, Beirut: Dar al-Azva, p. ۳۳۳.
- Bouzari, Ali. (۲۰۱۶). *Proceedings of the Conference on ۱۷۰ Years of Book Reading with a Thousand and One Nights*, Tehran: Iran Book House, p. ۴۹.
- Dehghan Samani, Abolfath Khan. (۱۹۳۹) *System A Persian Night and Night (Thousand Hands)*, Tehran: Mohammad Hossein Tajer Esfahani.
- Dehghan Samani, Abolfath Khan. (۲۰۰۰) *Some mourning hymns (selection of poems)*, by Ahmad Rahimkhani Samani, Tehran.
- Dehghani Samani, Mirza Abolfath Khan. (۱۹۹۹). *Poetry Divan (Shekarestan)*, by Fereydoun Haddad Samani, Shahr kord: Amman Samani.
- Divan Beigi, Ahmad. (۱۹۸۵-۱۹۸۷). *Hadigheh al- Sho'ara*, Tehran: Published by Abdolhossein Navai, p. ۶۳۰.
- Ha'eri, Seyed Hadi. (۱۹۶۱). *Ghazals of Aref Qazvini, National Poet of Iran*, Tehran: Javdan, p. ۵۷.
- Homayi, Jalaluddin. (۱۹۶۴). *Selected by the Divan of the Three Poets of Isfahan*, Tehran: Foroughi, p. ۳۴.
- Mosahebi Na'eini, Mohammad Ali. (۱۹۹۷). *Note on the City of Literature*, Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, p. ۸۳۸.
- Jorjani, Abdul Qaher. (۱۹۹۵). *Asrar al-Balaghah*, by Jalil Tajlil, Tehran: University of Tehran Press, p. ۴.
- Kazzazi, Mir Jalaluddin. (۱۹۸۹). *Aesthetics of Persian speech (۱) Bayan*, Tehran: Center, p. ۹۴.
- Khajehoff, Shah Mansour. (۲۰۰۷). *The word of God in the poetry of Sohrab Sepehri (Quran above my head)*, *Keyhan Farhangi*, No. ۲۵۲, Mehr, pp. ۴۲-۴۷.
- Mahjoub, Mohammad Ja'far. (۱۹۶۰). *Persian Folk Tales (۱۱)*; Persian translation of A'lf ol-Layle va Layle, *Sokhan Quarterly*, ۱۱ (۱), pp. ۳۴-۵۳.
- Majlesi, Mohammad Baqer. (۲۰۰۸). *Behar al-Anwar, Volume ۱۰*, Tehran: Islamic Bookstore, p. ۳۶۹.
- Meykdeh, Abdolhossein. (۱۹۲۲). *Dehghan Samani*, *Nobahar Magazine*, Year ۵, Number ۹.
- Mosaffa, Abolfazl. (۲۰۰۲). *Dictionary of Astronomical Terms with Cosmic Words in Persian Poetry*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies, p. ۶۹۷.
- Nazari, Zahra and Seif, Abdolreza. (۲۰۱۸). *Structural and Content Analysis of Shiite Narrative Masnavi in the Qajar Era*, *Quarterly Journal of Persian Poetry and Poetry (Bahar Adab)*, ۱۲ (۴), pp. ۸۱-۹۸.
- Rahimkhani Samani, Ahmad. (۱۹۹۹). *A look at the life and works of Samani peasant (selection of poems)*, *Shahrekord: Dehghan-e- Samani*.
- Rahimkhani Samani, Ahmad. (۱۹۹۹). *Biography and works of Dehghan Samani*, *Kayhan Andisheh*, June and July, No. ۸۴, pp. ۱۳۵-۱۵۰.

- Rahimkhani Samani, Ahmad. (۱۹۹۹). Collection of articles in memory of Mirza Abolfath Khan Dehghan Samani, Shahrekord: Dehghan-e- Samani.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۱۲). Images of Imagination in Persian Poetry, Tehran: Agah, p. ۱۴۷.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۷). Generalities of Stylistics, Second Edition, Tehran: Mitra.
- Sho'aa Shirazi, Mohammad Hossein. (۲۰۰۱). Tazkerat Shoaieh, by Mahmoud Tavousi, Shiraz: Persian Studies Foundation, p. ۱۹۰.
- Tajlil, Jalil. (۱۹۸۸). Punishment in the field of Persian literature, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies, pp. ۱-۲.
- Zolfaghari, Hassan. (۲۰۱۳). One Hundred Poems of Persian Literature, Tehran: Charkh, pp. ۳۵-۳۷.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- اسرارالبلاغه، جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴) به کوشش جلیل تجلیل، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۷) جلد دهم، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان، همایی، جلال‌الدین (۱۳۴۳) تهران: فروغی.
- تحلیل ساختاری و محتوایی مثنویهای روایی شیعی در عصر قاجار، نظری زهرا و سیف، عبدالرضا (۱۳۹۷) فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، (۴) ۱۲، ۸۱-۹۸.
- تذکره شعاعیه، شعاع شیرازی، محمدحسین (۱۳۸۰) به کوشش محمود طاووسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- تذکره مدینه‌الادب، مصاحبی نائینی، محمدعلی (۱۳۷۶) تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جناس در پهنه ادب فارسی، تجلیل، جلیل (۱۳۶۷) تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- چند سوگ‌سرود (گزینه اشعار)، دهقان سامانی، ابوالفتح‌خان (۱۳۷۹) به کوشش احمد رحیم‌خانی سامانی، تهران: حدیقه‌الشعرا، دیوان بیگی، احمد (۱۳۶۴-۱۳۶۶) تهران: چاپ عبدالحسین نوایی.
- داستانهای عامیانه فارسی (۱۱) ترجمه فارسی الف لیل و لیل، محجوب، محمدجعفر (۱۳۳۹) فصلنامه سخن، (۱) ۱۱، صص ۳۴-۵۳.
- «دهقان سامانی»، میکده، عبدالحسین، (۱۳۰۱) مجله نوبهار، (۹) ۵.
- دیوان اشعار (شکرستان)، میرزا ابوالفتح‌خان دهقانی سامانی (۱۳۷۸) به کوشش فریدون حداد سامانی، شهر کرد: عمان سامانی.
- دیوان طرب، طرب اصفهانی، ابوالقاسم‌بن رضاقلی (۱۳۴۲) با مقدمه و حواشی جلال‌الدین همایی، تهران: فروغی.
- الذریعه إلى تصانیف الشیعة، آقابزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق) گردآوری احمدبن محمد حسینی، بیروت: دار الأضواء.
- زیباشناسی سخن پارسی (۱) بیان، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸) تهران: نشر مرکز.
- شرح حال و آثار دهقان سامانی، رحیم‌خانی سامانی، احمد (۱۳۷۸) کیهان اندیشه، خرداد و تیر، شماره ۸۴، صص ۱۳۵-۱۵۰.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱) تهران: آگه.

غزلیات عارف قزوینی شاعر ملی ایران، حائری، سیدهدادی (۱۳۱۲) تهران: جاودان.
فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی، مصفا، ابوالفضل (۱۳۸۱) تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
کلام خدا در شعر سهراب سپهری (قرآن بالای سرم)، خواجه آف، شاه منصور (۱۳۸۶) کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۲، مهر، صص ۴۲-۴۷.
کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) ویرایش دوم، تهران: میترا.
مجموعه مقالات یادمان میرزا ابوالفتح‌خان دهقان سامانی، رحیم‌خانی سامانی، احمد (۱۳۸۰) شهرکرد: دهقان سامانی.
مجموعه مقالات همایش ۱۷۰ سال کتابخوانی با هزارویک شب، بوذری، علی (۱۳۹۵) تهران: خانه کتاب ایران.
منظومه الف لیل و لیله فارسی (هزار داستان)، دهقان سامانی، ابوالفتح‌خان (۱۳۱۸) تهران: محمدحسین تاجر اصفهانی.
نیم‌نگاهی به زندگی و آثار دهقان سامانی (گزینه اشعار)، رحیم‌خانی سامانی، احمد (۱۳۷۸) شهرکرد: دهقان سامانی.
یکصد منظومه عاشقانه ادب فارسی، ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲) تهران: چرخ.

معرفی نویسندگان

خیرالنساء محمدپور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(Email: mohammadpoor.ut.ac@mail.ir) (نویسنده مسئول)
فرشته محبوب: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(Email: F.Mahjoub1354@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Khair al-Nesa Mohammadpour: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.
(Email: mohammadpoor.ut.ac@mail.ir) : Responsible author
Fereshteh Mahjoub: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.
(Email: F.Mahjoub1354@yahoo.com)